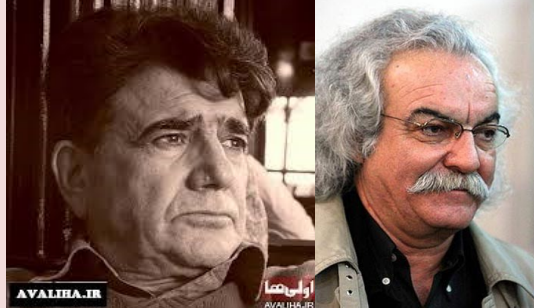


برای محمدرضا شجریان: سید علی صالحی



بسا درد که بی شفای تو.... خاموش
 بسا حرف که بی مگوی تو.... پنهان
 بسا حضور که بی پیدای تو.... غایب.
 داوود غریب ما!

دیری ست در این دردستان
 من واژه بسیار آورده ام به دعا
 من دعا بسیار آورده ام به درد،
 اما آدمی بی نام تو.... تنهاست
 اما عشق بی مزامیر تو.... پرده پوش
 اما جهان بی نی نوای تو.... خاموش.
 داوودا!...

شبانہ غمگین به خوابِ سحر
 به آشیانه آفتاب برگردد،
 اینجا مرغانِ گلو بریده به امیدِ یکی روزنه
 روبه روز،
 آوازت می دهند هنوز!

یلدا

نادر مجد



آرمان: ترانه "یلدا" اثر نادر مجد در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۸ به مناسبت شب یلدا در تالار اوکتون ویرجینیا با حضور جمع کثیری از ایرانیان آمریکایی و هنرمندان آمریکایی دوستدار هنر ایران توسط ارکستر چکاوک به رهبری دکتر نادر مجد به اجرا درآمد. ارکستر چکاوک وابسته به مرکز مردم نهاد موسیقی کلاسیک ایران به بنیانگذاری نادر مجد جهت حفظ و معرفی موسیقی سنتی و فولکلور ایران در منطقه واشنگتن دی سی و ویرجینیا و مرلند فعال است. حضور زنان هنرمند در این کنسرت چشمگیر بود.

در افتتاحیه شب یلدا، محسن شیرازی از اعضای هیئت مدیره این سازمان به گفته به یاد ماندنی بتهوون اشاره کرد: "موسیقی آنجا آغاز می شود که زبان از گفتن بازمی ماند". کیانوش رزاقی از وکلای فرهنگ دوست منطقه و از اعضای هیئت مدیره این بنیاد نیز با اشاره به اهمیت پاسداشت میراث های ایرانی، موسیقی را هنری دانست که ایرانیان را از هر آیین و دیدگاهی با هدف بازشناسی هویت فرهنگی خود زیر یک سقف گرد هم می آورد. پس از اجرای چندین قطعه موسیقی سنتی و فولکور ایرانی، اجرای ترانه "یلدا" بر شور و شوق جمعیت افزود. فهرست نام نوازندگان و خوانندگان و فیلم این کنسرت به همراه ترانه یلدا را در فیسبوک این مرکز می توان مشاهده کرد. ترانه "یلدا":

رویای منی

دنیای منی

شب‌ها همه شب
 یلدای منی-
 آغاز توئی
 فرجام توئی
 بی نام و نشان
 خود نام توئی-
 در هر نفسی
 عشق به پرهای صداقت
 بر هستی سرمستی گل
 ریشه دوانده ست-
 در طرف سخن
 قصه ی جاوید منامیر کهن
 بر دفتر شعر و غزل
 سایه نشانده ست-
 رویای منی
 دنیای منی
 بی تو چکنم
 یلدای منی-
 گیسو برهان
 بر بستر شب
 مجنون توام

لیلای منی.

چون صبح امید

در سفر آینه ها

چلچله ها

شعله رها کن.

یلدای منی

همره شب

ناز کنان

نام مرا

باز صدا کن.

رویای منی

دنیای منی

بی تو چکنم

یلدای منی

گیسو برهان

بر بستر شب

مجنون توام

لیلای منی

یلدای منی

نادر مجد - اشبرن - ویرجینا

۱۵ دسامبر ۲۰۱۸

بی‌تا امیری



در خیالات خودم در زیر بارانی که نیست
می رسم با توبه خانه، از خیابانی که نیست
می نشینی روبه رویم خستگی در میکنی
چای میریزم برایت توی فنجان که نیست
باز می‌خندی و می‌پرسی که حالت بهتر است؟
باز می‌خندم که خیلی...! گر چه میدانی که نیست
شعر میخوانم برایت، واژه‌ها گل میکنند
یاس و مریم می‌گذارم توی گلدانی که نیست
چشم میدوزم به چشمت، میشود آیا کمی
دست‌هایم را بگیری بین داستانی که نیست؟
وقت رفتن میشود، با بغض میگویم نرو
پشت پایت اشک میریزم در ایوانی که نیست
میروی و خانه لبریز از نبودت میشود
باز تنها میشوم با یاد مهمانی که نیست
رفته‌ای و بعد تو این کار هر روز من است
باور این که نباشی کار آسانی که نیست

بیداری به خرس های سفید نمی آید

شیدا محمدی



"دلم داغ شما دارد، یقین پیش شما باشد"

مولوی

شبیه همین

شبیه همین کلمه

با برفی که حالا می بارد

نگاه کن

منم و تو

فقط

منم و تو

کلاغ های روی شاخه

و زبان اینجا ساکت ساکت پلک می زند.

- "کجایی؟ همین الان کجایی؟"

همین الانِ الانِ دیگر معنا ندارند در ثبت و کاغذ.

بوی قهوه ی چشم های شنگ تو
 صبحی که از لب هایم می بوسد
 این حال و خیال شکوفه های انار از سر و رویم
 بوی خانگی این تخت
 تن و اندام گل های یخی.

بیداری به خرس های سفید نمی آید
 گوش بده
 منم و تو
 فقط
 منم و تو
 و صدای گرم و ارغوانی که می چرخد.

زبانم چقدر خنگ است
 بی خبر دارد هی غر می زند به آینه
 بد و بیراه از تو
 از کوچه های پنهانی و قلب های نامرئی تو
 از خودم
 فکر می کند من هم چند نفر شکل و شبیه خودم را اینجا و آنجا قایم کرده ام.

آن روزها به گمانم تبریز سینه سرخ تر از حالا بود
 با چشم های درشت و باغ باغ زرد آلو و این صدای خنده ی من هنوز از آنجا
 و آنجا. آخ! خندیدن با ریشه های بی حیا و شاد. با کوه های مغرور و بی باک. با
 ارواح عاشق و جنگجو. با برف های خوشبو (دستش را روی سرت گذاشت و گفت به
 آب نگاه کن. من داشتم می پیچیدم دور تبریزی ها و توجه نگاهی! من چقدر می
 خندیدم و باد داشت دنیا را می برد.)

آن روزهای شورانگیز

تبریز

عاشق زنی بود با گردن بند فیروزه ای، شال و کلاه سرخ
 که از غرب این شعر با ناز می آمد
 و تصادفِ سطر بعد را نمی دانست.

شیدا محمدی

۱۲ فوریه ۲۰۱۰، دانشگاه مریلند در برف تاریخی این ده روز

مجموعه «خط سیاه، متروی لندن»

علی رضا آیینز، برنده جایزه شعر شاملو



علی رضا آیینز (۱۳۴۷)، از روستای آیینز خراسان جنوبی از سال‌های دهه ۱۳۷۰ فعالیت ادبی خود را با ترجمه و نقد و شعر آغاز کرده است. «نگه‌دار باید پیاده شویم»، «اسپاگتی با سس مکزیکی»، «از میز من صدای درختی می‌آید» و «کوهسنگی، پلاک ۱۳ ممیز ۱» از دیگر مجموعه اشعار اوست.

علیرضا آیینز که کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی و دکترای نویسندگی خلاق خود را از دانشگاه نیوکاسل انگلستان اخذ کرده، در «خط سیاه، متروی لندن» می‌نویسد که شعرهای این مجموعه را در سفرهای روزانه بین خانه‌اش در شمال لندن و کتابخانه بریتانیا در مرکز شهر نوشته و هم‌از این روی قطار و مترو و ایستگاه در این اشعار نمود ویژه دارند. در سال ۲۰۱۸ علیرضا آیینز برنده جایزه شاملو در تهران شد.

”پیام دقیق به ما رسیده است“

هر قتل‌ی به قتل دیگری پیوند می‌خورد

هر قاتلی به قاتلِ دیگری اقتدا کرده است

در جنگل درختان انبوه‌اند

هر شاخه‌ای تبری در خود دارد

هر کودکی دیوی در خود می‌پرورد

از همین حرف‌های روزمره

شعری زاده می‌شود

از همین هم آغوشی‌های بی‌برنامه

کودکی به دنیا می‌آید

در این قطار

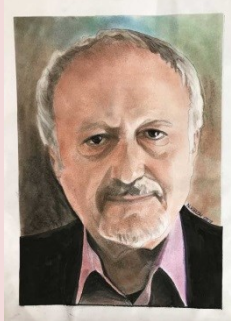
شبانه‌روز در سفرم

به کارهای ناکرده می‌اندیشم

شعرهای نانوشته

کودکانِ نازاده

دو شعر تازه از جهانگیر صداقت فر



"پویشگرِ پَرِ سیمِرخ"

برِ بالِ کدام بادِ شبانگاه

برِ نوشتم ات

ای سرودِ بی تاریخ

که برِ کمرِ گاهِ دماوند

مویه کنان

تا هنوز

به خارای صخره چنگ می زنی؟

روزی تو عاقبت این طریقِ صعب را

تا تارکِ البرز در خواهی نوشت-

اما

تا منزلگه سیمرخِ اساطیر

هفتاد خانِ خطر -

هان!

ای سرودِ بی تاریخ!

تیوران - ۲۱ اکتبر ۲۰۱۸

" تجسمِ دلخواسته "

می بینم آشکار:

بر بلند چکادِ دماوند

ققنوسِ سالخوردِ اساطیر

در کسبِ آتش

پا به زایِ طرفه بیضه یی ست.

[تمثیلِ مجسمِ نامیرایی]

می بینم آشکار:

بر سکوی ستیغ قاف

نسلی خلف ز دودمانِ آرش،

استاده رو به افق‌های تعالی

و تیرِ تیزپَر بر آهخته از غلاف.

[تجسم میراثی گرانقدر]

تیبوران - ۲۵ اکتبر ۲۰۱۸

موزیک ویدیوی می خواهمت

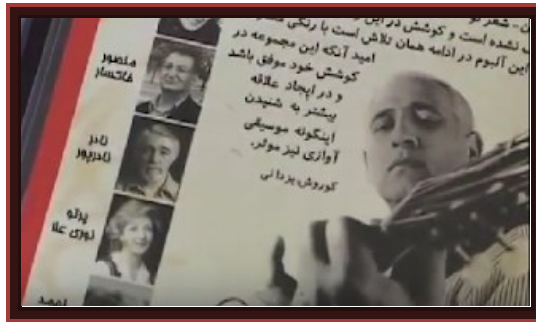
شاعر: پرتو نوری علا

تنظیم: بابک امینی، موزیسین - خواننده: کوروش یزدانی،

ویدیو: علی نوری، تدوین: آرش راد

اخیراً بر اساس موزیک "می خواهمت" اثر هنرمند ساکن لس آنجلس، کوروش یزدانی، ویدیویی تهیه شده که در یوتیوب به نمایش درآمده است.

<https://youtu.be/uJHNpXbx1wY>



موزیک ویدیوی "می خواهمت" یکی از هشت ترانه آلبوم "ماهی" است. یزدانی در این آلبوم با بهره گیری از شعر برخی از شاعران ایرانی چون احمد شاملو، اخوان ثالث، سیاوش کسرائی، فروغ فرخزاد، منصور خاکسار، نادر نادرپور و پرتو نوری علا، این آلبوم را تدارک دیده است.

می خواهمت / پرتو نوری علا

می خواهمت

رؤیای سبزِ شکفتن‌ها!

همراه باد،

زخمه‌ی موسیقی و سکوت،
می‌خواهت ای عشق نوظهور

می‌خواهت
در ابتدا و انتهای دقایق،
می‌خواهت
در هریمِ داغِ پوست،

می‌خواهت
ستاره مثل نسیم، آب،

در آفتابِ روشنِ شیدایی
همچون عطش
به تمنای قطره‌ای
می‌خواهت ای رودِ جاریِ بخشنده

در بوسه‌ها و نوازش‌ها،
در طرح‌های روشن و ناپیدا
بی‌هیچ انتظار و توقع می‌خواهت

"برگرفته از مجموعه شعر "سلسله بر دست، در بُرجِ اقبال"

پایان آرمان ۸